





پڙهه شڪاھ علوم انساني و مطالعات فرھنگي
پرتمال جامع علوم انساني



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی به کتاب ماه مهرپرور

پیام صدریه

عنوان اصلی: ماه مهرپرور
عنوان فرعی: تربیت در نهج البلاغه
نویسنده: مصطفی دلشاد تهرانی
ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج اول، ۱۳۷۹.

ماه مهرپرور، عنوان کتابی است در زمینه تربیت اسلامی. نویسنده محترم در ابتدای کتاب به بحث درباره کتاب شریف نهج البلاغه و جایگاه ممتاز آن در میان آثار ارزشمند اسلامی پرداخته است؛ وی نهج البلاغه را چنین توصیف می‌نماید:

«نهج البلاغه، بی‌تردید پس از قرآن کریم گرانقدرترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی اسلام است. این کتاب مجموعه‌ای است به ابعاد و جودی یک انسان کامل...
نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه، و آموزگار کفر ستیزی و فقر ستیزی است،
و نه تنها راه روشن بلاغت، که راه روشن هدایت است...»

نویسنده در ادامه به معرفی مؤلف نهج البلاغه، سید رضی (ره)، و انگیزه او از گردآوری و کیفیت و کمیت این اثر پرداخته است.

روش‌های مطالعه نهج البلاغه به سه شیوه تربیتی، تجزیه‌ای و موضوعی از مواردی است که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است.

نویسنده در این کتاب از منابع غنی و جامعی استفاده کرده و کتابنامه آن از حدود صد عنوان منبع در زمینه‌های مختلف تجاوز می‌کند، که این امر بر جامعیت اثر افزوده است.

کتاب ماه مهرپرور به مسائل تربیتی در ذیل چهار عنوان کلی: موانع و مقتضیات تربیت، مبانی تربیت، اصول تربیت و روش‌های تربیت پرداخته است. از این میان، برای آشنایی خوانندگان محترم به بررسی مباحث مبانی تربیت می‌پردازیم.

لازم به ذکر است که در تمامی موارد، شواهدی از نهج البلاغه ذکر گردیده است.

اهمیت و جایگاه شناخت انسان

شناخت انسان در نظام تربیتی اسلام، به عنوان یک اصل مطرح می‌شود و موضوع تربیت بدون دریافتی درست از انسان و شناخت استعدادها و سامان نمی‌یابد و این نحوه از شناخت مبنای ورود به مباحث نظری تعلیم و تربیت (نوع نظام تربیتی، گرایش‌ها، ارزش‌ها، روش‌های تربیتی و...) می‌باشد.

در نزد امام (ع) دست‌یابی به شناخت خود، برترین توفیق آدمی است و هیچ شناختی برای بشر ضروری‌تر از شناخت نفس نیست و نیز همین موضوع، باور آدمی در سیر تربیتی و حرکت کمالی وی می‌باشد.

شناخت استعدادها و توانایی‌های نفس و مراتب وجود و نیز شناخت آفات نفس و عیوب آن بهترین زمینه برای اصلاح و تربیت است؛ کسب این موفقیت، مسیر درست تربیت را فراهم می‌آورد و همین، بهترین راه به سوی شناخت حق نیز می‌باشد.

نویسنده محترم با ذکر مقدمات که خلاصه آن گذشت، شناخت نفس را غایت معرفت و نهایت حکمت دانسته و همه شناخت‌ها را در گرو آن می‌داند و سرچشمه والاترین معرفت‌ها را از آن قلمداد می‌کند.

مراحل و مراتب خودشناسی

پس از شناخت علمی و نظری نفس، لازم است که شناخت عملی و تجربی نیز صورت پذیرد و افراد از توانایی‌های نفس در روبه‌رو شدن با واقعیات آگاه گردند. علاوه بر آنچه ذکر شد، خودشناسی دارای فواید ارزشمند، حیاتی و تکاملی، هم در زمینه فردی و هم در زمینه اجتماعی است. از جمله:

۱- شناخت عیوب نفس (نخستین گام در تقویت نفس)؛

۲- شناخت توانایی‌ها و امکانات نفس؛

۳- شناخت فضایل نفس؛

۴- شناخت دیگر مردمان و مراتب ایشان؛

اهمیت مورد اخیر در آن است که آدمی این توانایی را می‌یابد که ارزش‌ها، خصوصیات، کمالات و نقص‌های دیگران را بازشناسد و این معرفت سبب می‌گردد که شخص، به انسان و ارزش‌های انسانی احترام بگذارد، در راه هم نوع خود بکوشد، از کمال افراد بهره‌مند گشته و در زدودن نقص آنان نیز کوشا گردد و نسبت به دیگران ایثار و از خودگذشتگی داشته باشد (که ایثار خود نیز از مراحل کسب ملکات فاضله در وجود آدمی است).

۵- شناخت خدای متعال، که از دو راه حاصل می‌گردد:

الف) شناخت نفس که لاجرم به شناخت آفریننده آن منجر خواهد شد.

ب) نفس انسانی به دلیل جوهر الهی و نفقه ربانی هم‌چون آینه‌ای صفات رحمانی را در خود متجلی می‌سازد.

حقیقت انسان

انسان واجد حقیقتی ملکوتی و استعدادهای بی‌پایان است که می‌تواند با تربیت خود، آنها را شکوفا نماید. چنان‌چه خداوند متعال در قرآن کریم (بقره ۲۸ و ۲۹) رمز جاودانگی و بی‌مرزی آدمی و برتری او بر همه موجودات و آفرینش همه چیز را برای او، به سبب حقیقت وجودی او دانسته است، و امیرالمؤمنین (ع)

در نهج البلاغه درباره حقیقت جامع انسان مطالبی بیان می‌فرماید (نک: نهج البلاغه، خ ۱). بنابراین، انسان باید از غفلت نسبت به حقیقت خود برون آید و استعداد های خویش را در جهت خلیفه‌اللهی، شکوفا گرداند و لذا تربیت حقیقی، تربیتی است که زمینه رسیدن انسان را به سوی شکوفایی استعداد هایش و سیر در جهت نیل به کمال مطلق فراهم می‌آورد.

اهداف تربیت

تعیین اهداف تربیت و حفظ آن در مسیر تربیت از اساسی‌ترین مسائل نظام تربیتی و زیرساخت آن است.

نظام تربیتی

در سازمان اهداف تربیتی، هم حقیقت وجودی انسان مورد توجه است و هم آنکه واقعیت‌های وجودی او و مراتب مختلف هستی وی و نیز گرایش‌ها و نیازهای متعدد آدمی مورد دقت قرار می‌گیرند. با عنایت به چنین امری در نظام تربیتی، غایتی برای تربیت آدمی مطرح می‌شود و در راه نیل به آن، اهدافی کلی، و برای تحقق آن اهداف کلی، اهداف جزئی سامان می‌یابند. در اسلام، هدف نهایی تربیت، نیل به صفات و اسماء‌الهی و رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است. اهداف کلی نیز در جهت نیل به این غایت سامان می‌یابند. در این مسیر اهداف کلی در ذیل مطرح می‌گردند:

- اصلاح رابطه انسان با خدا

- اصلاح رابطه انسان با خویش

- اصلاح رابطه انسان با جامعه

- اصلاح رابطه انسان با طبیعت

- اصلاح رابطه انسان با تاریخ

و در جهت نیل به این اهداف کلی، اهداف جزئی در نظر گرفته می‌شوند که در واقع همان آداب و احکام نظام دین، تحقق بخش آن می‌باشند؛ میان اهداف جزئی، کلی و غایت نهایی، رابطه‌ای طولی برقرار است.

مباحث نهج البلاغه از این حیث بسیار متنوع و گسترده‌اند. این مباحث عمدتاً در غالب اهداف بعثت پیامبران الهی و پیامبر اکرم (ص) و سفارش‌های تربیتی امام علی (ع) قرار گرفته‌اند. به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- وارستگی و بندگی که خود در دو موضوع عبودیت و درک مقام ربوبیت، و آزادی انسان از بندگی غیرخدا، مطرح شده است.

- حکمت‌آموزی، خردمندی و لطافت وجودی، که خود در سه موضوع کسب حکمت نظری و عملی به معنای ایمان و عمل صالح، رسیدن به معرفت حقیقی و بندگی خداوند، رسیدن به حیات معقول (عقل‌گرایی) مطرح است.

- آخرت‌گرایی.

- پروا پیشگی و پرهیزگاری، به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف تربیتی است که خود منشاء وصول بسیاری از مقاصد است، که در تربیت فطری دنبال می‌شود. این خصیصه همچنین منشاء بروز فضایل و کمالات در وجود انسان است.

فطرت

خدای متعال همه موجودات را به آفرینشی مخصوص داشته است که به سبب آن، به سوی مطلوب خویش سیر کنند و به کمال حقیقی برسند، لذا تمام اهداف تربیتی به فطرت آدمی محقق می‌شود و آن‌چه زمینه سیر به سوی حقیقت انسان را فراهم می‌سازد فطرت اوست.

فطرت تمام آدمیان، عشق به کمال مطلق است و این وجه اشتراک تمام افراد بشر در هر دین و مسلک است. فطرت انسان دارای دو بعد عشق به کمال مطلق و انزجار از هر گونه نقص می‌باشد. بر مبنای این دو فطرت، فطریات انسان شکل می‌گیرند که نویسنده محترم در مباحث مطروحه ذیل به آن‌ها پرداخته است:

- **عشق به پرستش:** فطرت الهی که سرچشمه فطرت بر اصل وجود مبداء هستی و توحید است. این نیاز را انسان پدیدار می‌گرداند.

- **ستایش و نیایش:** انسان بر مبنای فطرت خود، همیشه در جستجوی موجودی برای پرستش بوده، و تلاش مریبان الهی نیز عطف توجه آدمیان به سوی خداوند بوده است.

- **حقیقت‌جویی:** شیوه و متن زندگی آدمی بر پایه علم و عمل، ممکن و استوار است. لذا نفس آگاهی و دانایی برای آدمی مطلوب و لذت‌بخش است. امام علی (ع) حکمت را گمشده انسان معرفی می‌نماید.

- **زیبایی‌دوستی:** انسان به فطرت خود واجد اصل زیبایی و زیبایی‌دوستی است، در مسیر این جهت فطری، آدمی روی به کمال والاتری دارد؛ چنانچه امام علی (ع) با اشاره به خلقت طاووس این میل را تقویت می‌نماید.

- **خیر اخلاقی:** گرایش انسان به تمایلات ذاتی بسوی فضایل و کرامات و انزجار از امور غیراخلاقی از ویژگی‌های فطری انسان و از اسباب نیل به تربیت راستین است.

- **آزادی‌دوستی و آزادگی:** این اصل از مهم‌ترین گهرهای وجود آدمی در جهت نیل به اهداف تربیتی است و بر مبنای آن، بسیاری از تعالیم تربیتی از جمله آزادی انسان از قید خور و خواب و خشم و شهوت و رسیدن به آزادی معنوی در اثر تقوا و پرهیزگاری و رسیدن به آزادی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی بر مبنای آزادی‌دوستی فطری، که جزء حقوق ذاتی مردمان است محقق می‌گردد.

- **عدالت‌خواهی و عدالت‌دوستی:** حیات آدمی در گرو این خصلت است و قوت این گرایش فطری به سلامت فرد و جامعه می‌انجامد. در منظر امام علی (ع) این گرایش والاترین گرایش در وجود آدمی است که بازگشت تمام ارزش‌ها بدان است. قرار دادن هر چیز در جای خود [عدل] و رساندن هر ذی‌حقی به حقیقش امری فطری و بهترین راه رشد آدمی و دین‌داری است. فطریات یاد شده و سایر فطریات، بستر مناسبی را برای سیر انسان به سوی حقیقت ملکوتی وجودش فراهم می‌سازند.

عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت

نویسنده پس از بیان تربیت فطری (بحث اصولی خود) به معرفی برخی عوامل بیرونی می‌پردازد که عبارتند از:

الف- وراثت؛

ب- محیط؛

ج- سختی‌ها و شلاند؛

د- کار و فعالیت اجتماعی؛

ه- عوامل ماورای طبیعت و اراده انسان.

البته این موارد، عواملی هستند که به نحو اقتضا ساختار تربیتی و شخصیت روحی آدمی را سامان می دهند و نه به عنوان علت تامه. آن چیزی که در تربیت آدمی اصیل و غیر قابل تغییر است و همه چیز به نحوی به آن باز می گردد همانا فطرت آدمی است و در تربیت، اصالت با فطرت است. از این جا مبنای اصلی تربیت در اسلام که همانا تربیت فطری است، استخراج می گردد.

تربیتی که اساس برنامه ها، اقدامات و آموزش را بر فطریات آدمی قرار داده و حجاب های فطرت را می زداید و فطریات را شکوفا می نماید. بدین ترتیب، تربیتی تحقق می یابد که متناسب با وجود آدمی بوده و نیازهای او نیز در خور حقیقت انسانی است، تربیتی که عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص را جلوه می دهد. بنابراین، هر چه اهتمام بر فطریات در یک نظام تربیتی بیشتر باشد، توفیق آن در تربیت فطری و دین داری حقیقی بیشتر خواهد بود. با توجه به اصالت فطرت، هر انسانی می تواند روی به کمال مطلق بنماید.

در نتیجه نویسنده محترم ضمن برشمردن موارد تأثیر گذار در تربیت با فطرت را مبنای تربیت و اساسی ترین اصل در تعیین برنامه های مربوط به تعلیم و تربیت تلقی می نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی